

جایگاه گفتمان نگاه به شرق در تغییر رویکرد سیاست خارجی ایران با تأکید بر ژنوم ژئوپلیتیک روسیه

هادی صیادی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

اردشیر سنایی*

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۵/۱۶)

چکیده

از اولویت‌های سیاست خارجی ایران بنابر سند چشم‌انداز بیست‌ساله، دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای است. با وجود ظرفیت‌هایی که این هدف‌گذاری را معقول کرده است محدودیت‌هایی هم وجود دارد که تأمین آن را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. یکی از این موانع چالش‌زا، ساختار نظام بین‌الملل و نظام فرعی منطقه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران باید برای دستیابی به این موقعیت برتر بر آن‌ها غلبه کند. ژنوم ژئوپلیتیک به‌مثابه نقشه ژنتیک جغرافیایی سیاست و برخاسته از جغرافیای یک کشور، سیاست خارجی کشورها را در تأثیر قرار می‌دهد. ایران با داشتن پانزده کشور همسایه در منطقه‌ای ژئواستراتژیک، موقعیت برجسته‌ای دارد. این نوشتار با هدف بررسی عامل‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه انجام شده است. نگارندگان، با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که چه عامل‌های ژئوپلیتیکی سبب تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق به‌ویژه روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ شده است؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه این است که عامل‌های ژئوپلیتیک ایران، ساختار نظام بین‌الملل، فروپاشی اتحاد شوروی، تغییر موقعیت ایران در منطقه، گفتمان‌های سیاست خارجی ایران، منطق سیاست و فشار غرب در زمینه‌های مختلف علیه ایران سبب تغییر نگرش گفتمان سیاست خارجی ایران از غرب به شرق بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ و ایجاد روابط ویژه بین ایران و روسیه شد. به‌گونه‌ای که با وجود برخی منافع متفاوت، رابطه با روسیه از مهم‌ترین روابط سیاست خارجی ایران در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی شد.

کلیدواژه‌ها

ایران، روسیه، ژنوم، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، نگاه به شرق.

* Email: ardeshir_sanaie@yahoo.com

*نویسنده مسئول

مقدمه

ژئوپلیتیک هر واحد سیاسی یکی از کاتالیزورهای سیاست قدرت و امنیت هر کشور در ارتباط با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل است. در این زمینه، شاخص‌های گسست و پیوند در سیاست خارجی کشورها، وابستگی عمیق و شایان توجهی به ویژگی‌های ژئوپلیتیک یک کشور دارد. در نتیجه، مناطق ژئوپلیتیک باید توجیه‌کننده این نیازها باشند. به همین علت به محض احساس کوچک‌ترین تغییر و تحول در ساختار برخی از مناطق به‌شکلی سایر هدف‌ها را دچار مشکل می‌سازد (Ghalibaf and Pourmousavi, 2008: 55). ژئوپلیتیک، دانشی است که انسانیت را در داخل روابط متقابل با عامل مکان بررسی می‌کند (Dugin, 2003: 3). ژئوپلیتیک کانون قدرت جهانی و منطقه‌ای را بر روی جغرافیای طبیعی و به‌عبارتی بر روی پهنه جغرافیا به‌صورت متقابل ارزیابی کند و در میدان سیاست، رابطه میان قدرت و هدف را برقرار می‌کند و زمینه سیاست امنیتی و ترقی یک دولت، گروهی از دولت‌ها یا یک منطقه را تشکیل می‌دهد (İlhan, 2002: 319-318). سیاست نگاه به شرق، رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی و شمال‌شرقی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تعمیق روابط هم‌گرایانه با بازیگران حاضر در این مناطق است. به‌گونه‌ای که در راستای تأمین منافع و ارتقای ضریب امنیت ملی کشور به راه‌های همکاری و ائتلاف با آنان از راه تعامل دوجانبه و همکاری‌های جمعی توجه خاصی می‌شود (Adami, 2010: 104-105). در این نوشتار به دنبال بررسی جایگاه گفتمان نگاه به شرق در تغییر رویکرد سیاست خارجی ایران با تأکید بر ژنوم ژئوپلیتیک روسیه هستیم.

مبانی نظری

ژنوم ژئوپلیتیک

در علوم زیستی، هر موجود چندین بافت دارد؛ هر بافت چندین سلول دارد و هر سلول هم هسته دارد. اما در نگاهی ریزبینانه‌تر، ژنوم‌ها همانند رشته‌ای ریز هستند که هسته‌ها را به هم متصل و ویژگی خاصی را به بافت و به تبع آن، به موجود زنده القا می‌کنند. هر واحد سیاسی به‌عنوان یک موجود زنده متشکل از بافت‌هایی متفاوت است. ادیان، اقوام، هیدرولوژی و وسعت از بافت‌های تشکیل‌دهنده یک کشور هستند. ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست کشور است که تأثیر زیادی در رفتار نظام‌های سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان‌ها، بنابر نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌کنند (Khalili, 2011: 101). ژنوم ژئوپلیتیک اگر بتواند بین منافع ملی یک کشور، با برتری‌های جغرافیایی کشورهای دیگر، وابستگی ایجاد کند، این وابستگی متقابل، فلسفه

تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم جهانی می‌شود (Hafeznia, 2006: 146) و به سیاست‌مداران فرصت می‌دهد که از موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین، حساسیت‌های راهبردی دریایی و خشکی و منابع کمیاب اقتصادی و انرژی و آبی بهره بگیرند تا به برتری‌خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت جامه عمل بپوشانند.

سیاست خارجی و ژئوپلیتیک

هدف سیاست خارجی، دستیابی به هدف‌های ملی مورد تعقیب در نظام جهانی و ابزارهای رسیدن به آن‌ها است. از آنجا که دنبال‌کردن منافع و هدف‌های ملی در نظام جهانی متضمن ایجاد ارتباط و تعامل با دیگر کشورها است، سیاست خارجی تعیین‌کننده شیوه تعامل واحدهای سیاسی با همدیگر است (Crabb and Others, 2000: 65). برتری‌های ژئوپلیتیکی کشورها به شکل مشخص بر اساس امتیازهای محیط جغرافیایی این کشورها تعیین می‌شود و موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور که می‌تواند تولیدکننده فرصت برای یک کشور باشد، به همان شکل می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. برخی عامل‌های جغرافیایی می‌تواند سیاست و راهبرد ملی کشور را در یک حوزه ژئوپلیتیک منفعل و برای آن کشور نوعی چالش ژئوپلیتیک ایجاد کند (Ahmadipour and Lashkari Tafreshi, 2010 (a): 3). ژئوپلیتیک برای دستیابی به سیاست خارجی کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به‌وجودآمده از موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها نیازمند تحلیل واقع‌بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی است. از این‌رو، ژئوپلیتیک به عنوان عرصه مطالعاتی می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت‌های اساسی آن را مشخص سازد (Ghalibaf and Pourmousavi, 2008: 55).

ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر رویکرد سیاست خارجی ایران و نگاه به گفتمان شرق

ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست خارجی ایران: از شاخص‌های مهم و مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، همانا داشتن عامل‌های طبیعی، داشتن تنوع در مرزها، دسترسی داشتن یا دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد، تعداد همسایگان و برخورداری از جایگاه کشوری در مجموعه نظام بین‌الملل است که از آن به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود (Gholverdi, 2010: 11). واحدهای سیاسی با توجه به وزن ژئوپلیتیکی و مقدرات جغرافیایی به تعامل با دیگر واحدهای سیاسی می‌پردازند (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌ها و امتیازهای ژئوپلیتیک ایران

میزان نقش	جایگاه	عنوان‌ها	
بالا	براساس نظریه دریایی ماهان، از راه خلیج فارس و دریای عمان، دارای موقعیت ساحلی است و با دراختیارداشتن تنگه هرمز از موقعیت گذرگاهی و راهبردی بهره‌مند است. بنابر نظریه مکیندر و اسپایکمن، بخشی از سرزمین ایران جزو سرزمین قلب است و بقیه آن نقش حاشیه‌ای	نظریه‌های جهانی ژئوپلیتیک	
بالا	ارتباط‌دهنده سه قاره اروپا و آفریقا و آسیاست: نقش ارتباطی در راهبردهای خشکی و دریایی و موقعیت ساحلی و گذرگاهی (راهبردی) دارد.	موقعیت	
متوسط	۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع (شانزدهمین کشور جهان)	وسعت	
بالا	همسایگی با قدرت‌های جهانی (روسیه تزاری - عثمانی - اتحاد شوروی - استعمار انگلیس) دارای مرزهای آبی و خشکی	مرزها	توپوگرافی
بالا	دسترسی به دریای آزاد جنوب (گرم) از راه خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان، دارای مرز ساحلی با دریای خزر و رودخانه‌های شایان توجه (مرزی - داخلی)	شبکه آب‌ها	
متوسط	دارای رشته کوه‌های البرز و زاگرس و موقعیت مناسب دفاعی و پستی و بلندی‌های زیاد	ناهمواری‌ها	
متوسط	چهارضلعی نامنظم که قطر بزرگ آن ۲۲۱۰ کیلومتر و قطر کوچک آن ۱۴۰۰ کیلومتر است.	شکل کشور	
متوسط (از نظر هرم سنی، منفی)	از ابتدای سده حاضر تاکنون جمعیت ایران از ۱۰/۴ میلیون نفر به حدود ۶۰ میلیون نفر افزایش یافته است. باتوجه به میزان رشد بالا از جمعیت جوانی برخوردار است. براساس آخرین آمارها، ۲۲ درصد این جمعیت فعال و ۷۸ درصد آن مصرف‌کننده (غیرفعال) هستند.	جمعیت و هرم سنتی	
بالا	۱۳ درصد منابع جهان را در اختیار دارد که مهم‌ترین آن‌ها نفت و گاز است.	منابع	
بالا	از نظر عقیدتی تأثیر زیادی بر کشورهای مسلمان منطقه دارد. ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی، امروزه به‌عنوان عامل حرکت جنبش‌های اسلامی مطرح است.	بافت سیاسی و اجتماعی	

Minaei, 2002: 168.

ساختار نظام بین‌الملل: نگرش ژئوپلیتیکی دگرگون‌شده ایران نسبت به تعامل‌های و سیاست جهانی و منطقه‌ای، دستاورد مطالعه دگرگونی‌ها در نظام ژئوپلیتیک جهانی و اولویت‌های سیاسی و بین‌المللی آن است. ایران به‌صورت بالقوه یکی از کشورهای تأثیرگذار و قدرتمند جهان است. سیاست خارجی و عملکرد دولت‌ها متأثر از محیط ژئوپلیتیک و مستلزم ایجاد وضعیت تعامل در

مجموعه رفتارهای مکانی و زمانی آن است. ایران به‌رغم برخورداری از موقعیت منحصربه‌فرد راهبردی در صف‌بندی نظام بین‌الملل جایگاه مطلوبی ندارد و با رشد روزافزون هزینه‌های بین‌المللی روبه‌رو است. بنابراین مطالعه سیاست خارجی کشورها در دو سطح تحلیل دولت و نظام و تحلیل سیستم‌های بین‌المللی امکان‌پذیر است. پایان جنگ سرد و تحولات گسترده در ساختار نظام بین‌الملل و دگرگونی در کارویژه دولت-ملت‌ها و نیز سازمان‌های بین‌المللی، پیامدهایی را به همراه داشته است که بیانگر ویژگی‌های نظام بین‌الملل جدید است. مهم‌ترین ویژگی‌ها عبارت‌اند از: فروپاشی ابرقدرت اتحاد شوروی، تحول در نقش بین‌المللی آمریکا و گسترش همکاری‌های بین‌المللی، روند حرکت بین‌المللی به سوی آزادسازی سیاسی و اقتصادی، احیای هویت‌های ملی، قومی و مذهبی (Hajiyosofi, 2005: 74).

الف) فروپاشی اتحاد شوروی: فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ یکی از تغییر و تحول‌های خارجی است که سیاست خارجی ایران را در سه سطح در تأثیر قرار داد:

۱. **سطح بین‌المللی:** فروپاشی اتحاد شوروی از نظر بین‌المللی، با پایان‌دادن به جنگ سرد دو ابرقدرت، این امکان که ایران بتواند ابرقدرتی را علیه ابرقدرت دیگر به بازی بگیرد را از میان برد. در سه قرن گذشته، ایران بارها، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی از تنش دو ابرقدرت استفاده کرده و امتیازهایی را نصیب خود کرده بود. همراه با از بین‌رفتن این امکان، در سطح بین‌المللی ایران فرصت‌های جدیدی را به‌دست آورد از جمله این فرصت‌ها می‌توان به دو پدیده بین‌المللی اشاره کرد. پدیده اول ایران، به کانون ارتباط‌های بین‌المللی، اقتصادی و سیاسی مناطق آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شد. چون همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به استثنای گرجستان کشورهای محاط بسته‌ای هستند که راه ارتباطی اقتصادی آن‌ها با دنیا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از ایران می‌گذرد؛ بنابراین ایران با توجه به شرایط منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و مسائلی که در این منطقه ایجاد حساسیت می‌کند، راهی جز استفاده از این امتیاز را ندارد و آن موقعیت انتقالی ایران است. پدیده دوم که در سطح بین‌المللی بر رفتار ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جلب توجه می‌کند، مقوله ادغام در سیستم اقتصاد بین‌المللی است. بدون استفاده از خطوط ارتباطی ایران، ادغام کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سیستم اقتصاد بین‌المللی میسر نیست. در واقع، نفت مهم‌ترین حلقه پیوند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی است. بنابراین از نظر بهره‌برداری از امکانات ارتباطی و همچنین تجربه اداری و بین‌المللی ایران، مسیر ادغام کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در اقتصاد جهانی نفت، با نادیده گرفتن موقعیت ایران قابل تصور نیست.

۲. **سطح منطقه‌ای:** اول، همکاری اقتصادی منطقه‌ای است که مهم‌ترین قالب فکری و اجرایی آن سازمان همکاری اقتصادی (اگو) است؛ دوم، علاقه‌مندی به گسترش سازمان‌های دیگر منطقه‌ای است. برجسته‌ترین آن‌ها، سازمان همکاری‌های کشورهای ساحلی دریای خزر

است؛ سوم، نقش منطقه‌ای ایران در برقراری صلح و حل منازعات درون جمهوری‌های منطقه، منازعه بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان است. این نقش که ماهیتی سیاسی دارد، در برگیرنده موفقیت‌ها و ناکامی‌های خود است. این نقش ظرفیت منطقه‌ای ایران را در ابعاد سیاسی و امنیتی نشان می‌دهد.

۳. سطح ملی: نوعی اجماع ملی در لزوم گسترش پیوندهای مختلف با مناطق آسیای مرکزی و قفقاز است. اجماع موجود بین تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، رسانه‌های گروهی و مجامع دانشگاهی ایران در لزوم توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با جمهوری‌های جدید به حدی است که در کمتر مقوله‌ای بین‌المللی این درجه همراهی وجود دارد؛ دوم، اهمیت یافتن شورای امنیت ملی، به‌عنوان کانونی از تصمیم‌گیری دست جمعی و هماهنگ‌کننده امور سیاست خارجی است؛ سوم، به‌وجود آمدن تدریجی گروهی از کارشناسان، دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به مسائل آسیای مرکزی و حوزه‌های مختلف که پدیده جدیدی است (Taghavi Asl, 2000: 169, 176).

ب) تغییر موقعیت ایران در منطقه: فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، اهمیت ژئوپلیتیک و منطقه‌گرایی را در نظام بین‌الملل دوچندان کرده است؛ به‌طوری که بسیاری از کشورها در سیاست خارجی خود منطقه‌گرایی را به‌عنوان اصلی ثابت و اساسی برای تأمین منافع و امنیت ملی خود برگزیده‌اند. تأثیر ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی ایران به‌گونه‌ای است که به‌دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، این کشور چه به‌لحاظ مسیر مناسب میان آب‌های آزاد و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و چه از نظر واقع شدن در منطقه‌ای حساس و سرشار از منابع انرژی، همواره جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها و در راهبردهای جهانی داشته است. در حقیقت، فضای حاکم بر سیاست و روابط ایران از نظر ساختارهای جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و نیز گرایش‌های اعتقادی و آرمانی، به‌گونه‌ای است که جایگاه بین‌المللی و به‌ویژه منطقه‌ای این کشور را در نگرش‌های راهبردی قدرت‌ها، از شرایط ژئوپلیتیکی منحصربه‌فردی برخوردار کرده است (Hashemi and Rashno, 2016: 270, 272).

ج) منطق سیاست و فشار تحریم‌های غرب: غربی‌ها در رأس آن آمریکا، به‌علت نفوذی که در ساختار نهادها و رژیم‌های بین‌المللی دارند، این نهادها را در راستای منافع ملی خود و نه در راستای منافع همگانی جامعه ملت‌های زیر فشار قرار می‌دهند. با به‌کارگیری نظرهای خود آن‌ها را از ادامه حیات در راستای منافع همگانی باز می‌دارند. آمریکایی‌ها براساس قدرت هژمونیک خود سعی می‌کنند از رژیم‌های حقوقی به‌عنوان ابزار حقوقی و سازمانی برای محدودسازی رفتار کشورها استفاده کنند (Pour Ahmadi, 2003: 58). هم‌اکنون روند محدودسازی ایران به‌وسیله نهادهای بین‌المللی و براساس مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده رژیم‌های بین‌المللی وجود دارد. نقش آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران را می‌توان مصداق این مسئله دانست. همچنین یکی از تهدیدهای مشخص آمریکا علیه ایران را باید در قالب ایدئولوژیک

مورد توجه قرار داد (Eftekhari, 2003: 10-11). امروزه از دید آمریکا، اسلام در حال تهاجم است و ایران در پی نقش سیاسی دادن به اسلام در کشورهای مسلمان منطقه است. اگر چه آمریکایی‌ها تمایل ندارند تا خود را مخالف اسلام و مؤلفه‌های مذهبی جلوه دهند؛ اما تلاش می‌کنند تا با گروه‌های اسلام‌گرا و تندرو دارند با عنوان مبارزه با بنیادگرایی مقابله کنند. از سوی دیگر، غرب بنیادگرایی سیاسی و اسلام سیاسی را همواره تهدیدی مهم برای امنیت دنیای پیشرفته معرفی می‌کند و همواره بر ایران به اتهام حمایت از تروریسم تاخته است. تروریسم و ادعای غرب درباره پیوند آن با ایران، منشأ فشارها و تهدیدهای فراوانی بر ضد ایران شده است. تروریسم جرمی سازمان‌یافته و تهدیدی غافلگیرکننده تلقی می‌شود (Kazempour Ardebili, 1995: 311).

د) تحلیل یافته‌ها: بررسی تاریخ روابط ایران و روسیه نشان می‌دهد که دو کشور در شرایط تاریخی با دیدگاه‌های متفاوت به یکدیگر نگرسته‌اند. ایران در نزد روسیه و روسیه در نزد ایران زمانی مورد توجه خاص قرار گرفتند که پترکبیر، آیین معروف خود را مبنی بر ضرورت دسترسی به آب‌های گرم بیان کرد. در آن زمان روسیه شروع به گسترش قلمرو خود و کشورگشایی کرد و در نزد همسایگان جنوبی به تهدیدی خطرناک و جدی و کشوری غیر قابل اعتماد تبدیل شد. آنچه مایه شکل‌گیری اولین ارتباط دو کشور شد اهمیت ژئوپلیتیک ایران برای روسیه بوده است. این نگاه نابرابر تا دوره پهلوی دوم ادامه یافت که ژئوپلیتیک روسیه تا اندازه‌ای برای حکومت وقت مهم شد؛ به طوری که می‌توان سایه سنگین مساحت، همسایگی و قدرت اتمی اتحاد شوروی را بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران مشاهده کرد؛ اما پس از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نه بر اساس منافع ملی و برگرفته از عامل‌های ژئوپلیتیک خود، بلکه بیشتر بر مبنای نیازهای تکنولوژیک و حمایت سیاسی روسیه از ایران شکل گرفته است. برعکس، سیاست خارجی روسیه در برابر ایران متأثر از وزن ژئوپلیتیکی خود و عامل‌های ژئوپلیتیکی ایران بوده است.

سیاست خارجی ایران در برابر روسیه متأثر از ژئوپلیتیکی

سیاست خارجی ایران در قبال روسیه متأثر از جایگاه ایران در نظام بین‌الملل و قطع ارتباط سیاسی با آمریکا است؛ بنابراین، آن‌چنان که شایسته بوده، نتوانسته است بر مؤلفه‌های روسیه استوار باشد. تحلیل زیر، طرحی از سیاست خارجی ایران است که می‌تواند در برابر روسیه تأمین‌کننده منافع ملی ایران باشد:

۱. **سیاست خارجی برآمده از ژئوپلیتیکی مؤثر بر مساحت، قومیت و بحران‌های قومی روسیه:** روسیه پهناورترین کشور جهان است. این مسئله هم مزیت و هم نوعی ضعف ژئوپلیتیک روسیه است. وسعت روسیه، عمق راهبردی آن را زیاد می‌کند؛ اما ضامن بقای

فدراسیون روسیه نیست؛ چرا که روسیه، کشوری با قومیت، مذهب و زبان یک‌دست نیست؛ کشوری فدراتیو است که شامل جمهوری‌ها و مناطق فدرال است که تا حدودی در اداره خویش آزاد هستند. بیشتر این جمهوری‌ها با روسیه اشتراک‌های فرهنگی ندارند؛ بلکه یا دنباله فرهنگی خارج نزدیک روسیه هستند یا پیوندهای فرهنگی با کشورهای همسایه دارند. همین موضوع به آسیب‌پذیری تمامیت ارضی آن افزوده است. ایران می‌تواند با تأکید بر قدرت نرم، تکثر قومی/زبانی و اسلام (عامل‌های ژئوپلیتیکی) بر تمامیت ارضی روسیه و بحران‌های قومی آن مؤثر باشد. در داخل روسیه جمهوری‌های چچن، داغستان، تاتارستان و اوستیای شمالی در معرض خطر تجزیه‌شوندگی قرار دارند. بیشتر جمعیت آن‌ها بومی هستند، پیوندهای نژادی و زبانی با ایران دارند یا اشتراک‌های مذهبی یا دنباله‌های قومی آن‌ها در خارج نزدیک روسیه است یا بخشی از جمعیت آن‌ها دنباله‌های قومی خارج نزدیک روسیه هستند. چنانچه ایران از این توان ژئوپلیتیک خود استفاده کند، می‌تواند با حمایت از جنبش‌های اسلامی و قومی در جمهوری‌های فدراسیون روسیه که ماهیت استقلال‌طلبانه دارند تجزیه فدراسیون روسیه را سرعت بخشد.

۲. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر قدرت نظامی روسیه: روسیه در سایه نگرش اوراسیاگرایانه، توسعه روابط با ایران را در دستور کار قرار داده است. ایران پس از هند و چین از بزرگ‌ترین واردکننده‌های سلاح از روسیه تلقی می‌شود (Karami, 2009: 154). روسیه برای بهبود زیرساخت‌های دفاعی ایران اجازه تولید تجهیزات نظامی مورد نیاز را داده است، حضور چشمگیر کارشناسان نظامی روسی در ایران، در شرایطی که ایران از سوی غربی‌ها تحریم شده بود، اهمیت ویژه دارد. منافع متقابل و همکاری نظامی و فروش تسلیحات از محورهای مهم مورد توجه روسیه در گسترش مبادله‌های دو کشور بوده است (Safari, 2005: 140).

۳. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر فرهنگ روسیه: ایران و روسیه گام‌های مهم و چشمگیری برای ارتقای روابط فرهنگی برداشته‌اند از جمله: تأسیس و تقویت ده‌ها مرکز ایران‌شناسی و زبان‌شناسی در روسیه، برگزاری چندین هفته فرهنگی و برنامه‌های مشترک در زمینه فیلم، موسیقی و نمایشگاه‌های فرهنگی در دو کشور، تسهیلات کنسولی برای جهانگردان و توریست‌ها، انتشار ده‌ها کتاب تألیفی و ترجمه‌ای در زمینه شناخت بیشتر مردم دو کشور از یکدیگر، چاپ و انتشار فصلنامه فارسی و روسی در دو کشور، تقویت انجمن‌های دولتی و تنظیم سفرهای پیوسته فرهنگی بین دو کشور و همکاری دانشگاه‌ها و رسانه‌های بین دو کشور (Safari, 2005: 156).

۴. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر موقعیت روسیه در دریای خزر: دریای خزر در چهارراهی واقع شده است که چندین سیستم منطقه‌ای را به هم متصل می‌کند:

اروپا و خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی. به همین دلیل، هم برای کشورهای همسایه آن و هم برای قدرت‌های جهانی اهمیت راهبردی پیدا کرده است. به‌ویژه که بر اهمیت ذخایر هیدروکربنی آن مسائل امنیتی نیز افزون شده است. ایران در بهره‌برداری از منابع دریای خزر با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که مهم‌ترین آن‌ها نداشتن دانش فنی لازم (وجود عمیق‌ترین بخش دریای خزر در آب‌های ایران)، تمایل روسیه به نظرهای سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان و ورود آمریکا و کشورهای فرامنطقه‌ای به مسائل دریای خزر است. آنچه سبب انفعال ایران در موضوع دریای خزر شده است، قطع ارتباط با آمریکا و نیاز به حمایت سیاسی روسیه در نظام بین‌الملل است. ایران با دیدی واقع‌گرایانه به نظام بین‌الملل، می‌تواند موقعیت نظامی خود را در دریای خزر گسترش دهد و با بهبود روابط با کشورهای غربی، توان فنی خود را در بهره‌برداری از منابع خزر افزایش دهد. این مسئله سبب تضعیف موقعیت روسیه در این دریا می‌شود (Ahmadipour and Lashkari Tafreshi, 2010).

(b): 5)

۵. سیاست خارجی برآمده از ژئوپلیتیکی مؤثر بر آسیای مرکزی: سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی برخلاف جوسازی رسانه‌ای غرب که می‌خواست از ایران چهره‌ای بنیادگرا و خاکستری ارائه کند و مدعی بود که ایران در تلاش است تا دولت‌هایی مانند خود در منطقه به‌وجود آورد (Sajjadpour, 1993: 11) بیشتر سمت‌گیری اقتصادی فرهنگی داشت نه مذهبی به معنای صدور انقلاب. البته روسیه نیز در سال‌های اول پس از سقوط اتحاد شوروی، نسبت به ایران نگاه مثبتی نداشت. این نگاه با سیاست مدبرانه‌ای که دو کشور و به‌ویژه ایران در پیش گرفت، سیاست مقابله و رقابت جای خود را به همکاری برای صلح و ثبات در منطقه داد (Khalili, 2011: 25). نقش ایران در حل منازعه‌های منطقه‌ای بسیار مثبت بود؛ چرا که همکاری دو کشور در مجموعه‌ای از مسائل به‌ویژه در حل بحران تاجیکستان و مراحل نخست بحران قره‌باغ به‌خوبی هم‌پوشانی داشتند. روسیه به مرور به نقش ایران به‌عنوان یک قطب در جهان اسلام در مقابله با تهدیدی که روسیه آن را بنیادگرایی مذهبی در منطقه تلقی می‌کرد، بسیار اهمیت می‌داد. در نتیجه، سیاست معتدل و غیرمقابله‌گرایانه ایران برای این کشور دست‌آوردهای مثبت داشت.

ژئوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر رویکرد ایران به نگاه به شرق با تأکید بر روسیه
مهم‌ترین ژئوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر رویکرد ایران به نگاه به شرق با تأکید بر
روسیه را برمی‌شماریم:

۱. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر خارج نزدیک روسیه: خارج نزدیک اروپای اتحاد شوروی، محور اصلی سیاست داخلی و خارجی روسیه به بازسازی حیات اقتصادی کشور و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و بازیابی قدرت و اعتبار از دست‌رفته خویش استوار بوده است (Oliker and Others, 2009: 38). با این هدف، برای جذب سرمایه‌های غربی، سیاست مسامحه و پذیرش ضمنی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و خارج نزدیک خود را پذیرفت؛ اما دیری نپایید پی برد که بی‌ثباتی در مناطق ژئوپلیتیکی نزدیک روسیه، سبب به‌خطرافتادن منافع روسیه و از دست‌رفتن کشورهای آسیای مرکزی می‌شود که حیات خلوت روسیه هستند. به همین دلیل، تلاش کرد با ارتباط بیشتر با ایران و عربستان تا حدودی از حمایت این کشورها از بنیادگرایی و نفوذ آن‌ها در آسیای مرکزی و جمهوری‌های روسیه بکاهد (Alizadeh and Bordbar-Tahergurabi, 2007: 46). بسیاری از جوانان مسلمان روسی، خود را عضوی از امت جهان اسلام می‌دانند تا شهروند سرزمین مادری خود (Cohen, 2007: 3). در این میان، ایران به‌عنوان رقیبی جدی منافع روسیه را در خارج نزدیک تهدید می‌کند. بسیاری از سرزمین‌هایی که امروزه به‌عنوان خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شوند بخشی از خاک ایران بوده‌اند (Mojtahedzadeh and Rashidinezhad, 2010: 7). در نتیجه، استفاده مناسب ایران از این ظرفیت تاریخی - فرهنگی و مذهبی می‌تواند ایران را جایگزین روسیه در آسیای مرکزی کند. چه بسا زمینه پیوند‌های گسترده تر و احیای امپراتوری فرهنگی ایران را فراهم کند. زمینه دیگر همکاری ایران و روسیه در آسیای مرکزی، مسئله انتقال انرژی این منطقه است. امروزه راهبرد تأمین یا فروش انرژی، ژئوپلیتیک آسیای مرکزی را با توجه به هدف‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی به این سو و آن سو می‌کشاند. تمایل این جمهوری‌ها به غرب از یک سو و وابستگی امنیتی به روسیه از سوی دیگر، بر شک و تردید آنان می‌افزاید. همکاری ایران و روسیه ظاهر قضیه تعامل‌های این دو کشور بوده است؛ ولی روسیه ایران را رقیبی بالقوه می‌بیند و از ورود و حضور ایران در فعالیت‌های مرتبط با صدور و انتقال انرژی در منطقه جلوگیری می‌کند. یکی دیگر از مسائل مشترک برای همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی، مسئله انتقال مواد مخدر است. از حوزه‌های بالقوه همکاری روسیه با ایران می‌تواند بر محور چگونگی مبارزه با انتقال مواد مخدر افغانستان شکل بگیرد (Alizadeh and Bordbar-Tahergurabi, 2007: 55-57). در حقیقت، طرفداران رابطه ایران و روسیه معتقدند، رابطه ایران و روسیه وجوه دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد که در سطح‌های اخیر تابع شرایطی متحول و دخالت مؤلفه‌های گوناگون است که در بسیاری موارد در اختیار مستقیم تهران و مسکو نیستند؛ اما روابط دوجانبه دو کشور با اراده دو طرف می‌تواند در هر شرایطی توسعه یابد. اگر ارزش این رابطه دوجانبه برای هر دو کشور افزایش یابد، در جهت‌گیری در

مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی به هم نزدیک‌تر خواهند شد. در دیدگاه روس‌ها نیز رابطه دوجانبه به عنوان درجه‌ای برای نزدیکی و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی دیده می‌شود. آنان مایل به حضور ایرانی قدرتمند در غرب آسیا هستند که قادر به مقاومت در برابر هدف‌ها و سیاست‌های آمریکا و اروپا و متحدان آن‌ها در منطقه باشد (Haines, 2015). از دید رهبران روسیه، ایران بازیگری سازگار و همراه در پاسخ به دغدغه‌ها و نگرانی‌های روسیه در «خارج نزدیک» بوده است.

۲. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی و همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه

براساس منافع متقابل: تعمیق همکاری و واردشدن در فضای راهبردی، هم شدنی است و هم می‌تواند بین ایران و روسیه شکل گیرد؛ اما از الزام‌ها و پیش‌نیازهای آن در نظر گرفتن نفع متقابل و دوری از یک‌جانبه‌نگری است (Hosseini, 2016: 3). ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۱۲، در حالی به عنوان رئیس جمهور به کاخ کرملین بازگشت که به تصویب دوما و تغییر قانون اساسی روسیه می‌توانست تا سال ۲۰۱۸ و انتخاب دوباره، رئیس جمهور باشد. سیاست روسیه در مورد ایران در دو سال نخست سومین دور ریاست جمهوری پوتین با توجه به سیاست قبلی کرملین تغییر آشکاری نداشت. این دوره با دو سال پایانی ریاست جمهوری احمدی‌نژاد هم‌زمان بود. روی کار آمدن دوباره پوتین در سال ۲۰۱۲ نیز به تنهایی نتوانست این رابطه را دوباره احیا کند. در جریان گفت‌وگوهای ایران با قدرت‌های جهانی در چارچوب گروه ۵+۱، روسیه همواره به اطمینان‌بخشی به اسرائیل در مورد برنامه هسته‌ای ایران توجه ویژه داشت. پوتین نیز این سیاست را به شکل جدی دنبال کرده است (Kasting and Fite, 2012: 39). پیروزی حسن روحانی و گفتمان اعتدال‌گرا در انتخابات سال ۲۰۱۳ در ایران، با وعده تنش‌زدایی در روابط با آمریکا و غرب و حل مسئله اتمی ایران، بار دیگر بر توجه روسیه نسبت به ایران افزود. در این دوره که با تشدید بحران سوریه و افزایش تمایل روسیه برای ایفای نقش در خاورمیانه هم‌زمان بود، موضوع همکاری منطقه‌ای به محور همکاری تهران - مسکو تبدیل شد. رویکردهای مشترک دو کشور درباره مسائل افغانستان، عراق و سوریه سبب شد تا سرگئی لاوروف در سپتامبر ۲۰۱۴ ایران را «متحد طبیعی» روسیه بخواند (Kozhanov, 2015: 9). مشکلات روسیه با آمریکا و اروپا درباره مسائل اوکراین به‌ویژه پس از تحریم روسیه توسط آنان، بیشتر روابط دو کشور را در تأثیر قرار داد. تحولات موسوم به انقلاب‌های عربی سبب شد که نزدیکی ایران و روسیه در رویارویی با دخالت‌های آمریکا در روند مسائل داخلی و مسائل کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا برجسته‌تر شود. روسیه به شدت با روند دمکراتیک‌سازی مورد حمایت آمریکا در کشورهای غرب و مرکز آسیا مخالف بوده است (Handa, 2012: 4). در واقع، تحولات زیادی که هم در ایران و هم در روسیه رخ داد؛ موجب شکل‌گیری مرحله جدیدی در روابط تهران و مسکو شد. شکل‌گیری بحران اوکراین و

تحریم روسیه از سوی غرب و به نتیجه رسیدن گفت‌وگوهای هسته‌ای و مهم‌تر از همه، ورود روسیه به صحنه عملیاتی نبرد سوریه، نمونه‌ای از این تحول‌ها هستند. روابط دو کشور در ابعاد مختلف در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای روندی رو به رشد گرفت. برای اولین بار پس از دیدار دوباره ولادیمیر پوتین و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در تهران، رهبران تهران و مسکو اعلام آمادگی کردند که با گذشت حدود ۲۵ سال از فروپاشی اتحاد شوروی، روابط ایران و روسیه با گسترش در همه حوزه‌ها به رابطه‌ای راهبردی تبدیل شود.

سرگئی بلاگوف در تحلیلی برای آسیا تایمز، با اشاره به سفر روحانی به روسیه در مارس ۲۰۱۷ و گفت‌وگوهای رؤسای جمهور دو کشور برای افزایش روابط دوجانبه و منطقه‌ای می‌نویسد: همکاری‌های روسیه و ایران در سوریه، بر رابطه روسیه و اسرائیل تأثیر منفی گذاشته است. وی می‌نویسد: ۱۶ مارس ۲۰۱۷، جنگنده‌های اسرائیلی مناطقی در سوریه را بمباران کردند که در ارتباط با حزب‌الله لبنان هستند. نیروهای ارتش سوریه نیز در برابر آن، حمله‌هایی با موشک‌های خود انجام دادند. پس از این رویدادها کرملین سفیر اسرائیل در روسیه را احضار کرد تا در این زمینه پاسخ‌گو باشد. بلاگوف با اشاره به سخنان وزیر خارجه ایران در مورد امکان استفاده روسیه از پایگاه‌های نظامی ایران، این مورد را نیز شاهد دیگری بر توسعه روابط تهران و مسکو به دلیل همکاری ایران و روسیه در سوریه بر می‌شمرد (Blagov, 2017). در همه دوره‌های تحول‌های روابط ایران و روسیه، روابط با اسرائیل جایگاه و اهمیت خود را حفظ کرد. برای روسیه حفظ تعادل در روابط با هر دو کشور همواره مورد توجه بوده است (Kozhanov, 2015: 7). به هر حال، رخدادهای موسوم به انقلاب‌های عربی، سبب نزدیکی روزافزون روابط دو کشور شد؛ اما درباره روابط راهبردی با ایران، پوتین رفتارهای گوناگونی نشان داده است. برخی از تحلیل‌گران او را در این زمینه خویش‌نشان خوانده‌اند (Parker, 2016: 1). تعبیر جان ر. هاینس که در بررسی سیاست روسیه در برابر ایران، آن را «بدبینانه و تردیدآلود» خوانده است، تصویر روشنی از واقعیت را نشان می‌دهد که در جامعه ایران نیز جریان دارد.

۳. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر قدرت اقتصادی روسیه: امروزه
به‌کارگیری تحریم اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و حفظ بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی، اهمیت فراوانی یافته است. این اقدام از منظر حقوق بین‌الملل در شرایطی خاص مشروع است، مگر آنکه هدف از آن به‌کارگیری فشار و سلطه بر سایر کشورها یا مغایر با تعهدات قراردادی کشورها باشد. در شرایط امروز جامعه بین‌الملل، ایران به‌عنوان کشوری مطرح است که به دلیل فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود، بیش از پیش زیر فشار بین‌المللی و تحریم‌های غرب در سطح گسترده‌ای قرار دارد. زمانی که ایران به تولید

انرژی هسته‌ای در داخل اقدام کرد، با فشارهای بین‌المللی شدیدی روبه‌رو شد که مصداق بارز آن، قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و به‌کارگیری تحریم‌های مختلف ایران است که در جهت ایجاد الزام به خاتمه تولید سوخت هسته‌ای صورت گرفته است. از دیدگاه غرب، تنها در شرایط فشار شدید بین‌المللی، ایران مواضع هسته‌ای خود را تغییر خواهد داد. چنین دیدگاهی نشان از نداشتن درک صحیح غرب، به ویژه آمریکا از مواضع دولت ایران در رابطه با برنامه هسته‌ای اش دارد. از این‌رو، می‌توان روسیه و چین را جزو کشورهایی به‌حساب آورد که با وجود رأی مثبت به قطعنامه شورای امنیت، با به‌کارگرفتن تحریم‌ها علیه ایران، به‌طور جدی موافق نبوده‌اند و گفت‌وگو را بهترین راه حل مسئله هسته‌ای ایران می‌شناسند. برخلاف توسعه روزافزون همکاری‌های سیاسی - نظامی میان ایران و روسیه، روابط اقتصادی، هیچ‌گاه به وضعیت قابل قبول ارتقا نیافت؛ یعنی حجم مبادله‌های تجاری و همکاری‌های اقتصادی دو کشور به فراخور ظرفیت‌های موجود توسعه نیافت. شرایط بین‌الملل و تلاش آمریکا برای ایجاد نظامی هژمونیک به رهبری خود، ایران و روسیه را به‌طور فزاینده‌ای در این دوره از تاریخ به یکدیگر نزدیک ساخت. با تعمیق و توسعه تمایل‌های اوراسیاگرایانه در سیاست خارجی روسیه و برجسته‌شدن اهمیت خاورمیانه و کشورهای آسیایی در سیاست خارجی آن، ایران در شرایط تعامل با آمریکا همواره روابط سیاسی - نظامی رو به بهبودی را با روسیه تجربه کرد. علائق سیاسی - امنیتی دو کشور در آسیای مرکزی و قفقاز این همکاری را سرعت بخشید (Koolae, 1997: 134). به همین دلیل، از سال ۲۰۱۵ پس از سفر ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه به ایران، اراده سیاسی شکل‌گرفته در تهران و مسکو، موجب حرکت‌هایی در رابطه اقتصادی دو کشور شد. با وجود اراده و تدابیر لازم، حجم مبادله‌های تجاری بین ایران و روسیه در سال ۲۰۱۶ به کمی بیشتر از ۱/۵ میلیارد دلار رسیده که با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دو کشور متناسب نبوده است. با توجه به کاهش موانع سیاسی و اقتصادی، انتظار می‌رود که ارزش مبادله‌های دو کشور افزایش یابد. بنا به اعلام مقام‌های روسی، روابط تجاری مسکو و تهران در حالی با افزایش ۸۰ درصدی در ۹ ماهه اول سال ۲۰۱۷ به یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده که هم‌زمان ارزش مبادله‌های اقتصادی روسیه با چین، ویتنام و هند کاهش نشان می‌دهد. بر اساس برآوردها این رقم همچنان سهم ایران از تجارت خارجی روسیه را کمتر از ۱ درصد حفظ کرده است. بر اساس آمار وزارت صنعت و معدن از ده‌ماهه اول سال ۲۰۱۶ و مقایسه آن با آمار ده‌ماهه سال ۲۰۱۵، فدراسیون روسیه با افزایش سهم ۱۷۹ درصدی در میان کشورهای صادرکننده به ایران در رتبه هفتم قرار گرفته است. نکته مهم دیگر این است که در رتبه‌های بالاتر از روسیه جز آلمان، ارزش تغییرها منفی بوده است. اما با وجود تسهیل شرایط صادراتی ایران به روسیه، هنوز این کشور در میان پانزده کشور اول مقصد صادراتی ایران قرار نگرفته است. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد سهم ایران در تجارت خارجی روسیه در سال

۲۰۱۵ در حدود ۲ درصد واردات و ۳ درصد صادرات این کشور بوده است. در همان حال، سهم روسیه در واردات و صادرات ایران، به ترتیب ۲/۵ و ۷ درصد بوده است (Koolaee and Abedi, 2017: 145). این در حالی است که در این مدت توافقی‌های بیشتری میان ایران و روسیه در زمینه طرح‌های بزرگ دولتی انجام شده است که می‌تواند ارزش روابط تجاری میان دو کشور را افزایش دهد. در این میان توافق‌نامه‌ها در زمینه‌های حمل‌ونقل و روادید، گمرک و تعرفه‌ها، روابط استانی، نمایشگاه‌های مختلف در صنایع کوچک و بزرگ، شرایط را برای افزایش مبادله‌های بازرگانی در بخش‌های خصوصی هم فراهم می‌کند. بر اساس نقشه راه شکل گرفته در روابط اقتصادی ایران و روسیه، توافقی‌ها شامل دو بخش تأسیس روابط اقتصادی بلندمدت راهبردی و تقویت روابط کنونی و تجاری خود است.

ولادیمیر ساژین کارشناس سیاسی و خاورشناس روس می‌نویسد: روسیه، ابرقدرت جهانی و ایران، ابرقدرت منطقه‌ای، هر دو در خاورمیانه نقش مهمی بازی می‌کنند. تأثیر و نفوذ این دو کشور در تمام نقاط جهان به‌ویژه نقاط مهم در خاورمیانه مشهود است. ولی از دیدگاه آن‌ها نیز، روابط تهران-مسکو در چندضلعی روسیه، آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی قرار می‌گیرد (Koolaee and Abedi, 2017: 145). بر این اساس پس از شرایطی که بحران سوریه به وجود آورد و ایران و روسیه را در کنار دمشق قرار داد؛ رهبران دو کشور تصمیم گرفتند با افزایش روابط دوجانبه زمینه‌های اشتراک منافع منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش دهند. از سال ۲۰۱۵ پس از سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه به ایران، اراده سیاسی شکل گرفته در تهران و مسکو، موجب حرکت‌هایی در روابط اقتصادی دو کشور شد. حمله‌های هوایی روسیه از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ در حمایت از رژیم بشار اسد، جنگ داخلی سوریه را وارد مرحله جدیدی کرد (Parker, 2016: 2). مارک کاتز، تحلیل‌گر مسائل روسیه می‌نویسد: ایران و روسیه نه فقط در مسئله سوریه، بلکه در دیگر پرونده‌ها نیز نگاه‌های کم‌وبیش مشابه هم دارند. او اشاره می‌کند که این نزدیکی مواضع موجب اراده جدی دو کشور برای توسعه روابط دوجانبه شده است (Katz, 2017). رسیدن ایران و گروه ۵+۱ به توافق جامع هسته‌ای، چشم‌انداز بهبود روابط ایران با غرب را تغییر داد (Parker, 2016: 2). تحلیلی که برای رهبران کرملین نمی‌تواند چندان خوشایند برآورد شود. هرچند روسیه در جریان شکل‌گیری این توافق نقش تأثیرگذار داشت؛ اما نمی‌توان فراموش کرد که سیاست ضدغربی ایران برای این کشور در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران، پیش و پس از فروپاشی اتحاد شوروی، چه برتری‌ها و دستاوردهایی در بر داشته است. البته این واقعیت که پس از پیوسته‌سازی شبه جزیره کریمه به روسیه این کشور نیز از سوی آمریکا و اروپا تحریم شد، بر تعمیق و توسعه روابط افزوده است. در شرایط پرتحول پسا‌فروپاشی، ایران به‌عنوان ابزاری برای سیاست روسیه در برابر آمریکا به کار گرفته شده است (Kozhanov, 2012: 5). در

حقیقت می‌توان گفت که زمینه مناسبی برای همکاری ایران و روسیه در زمینه اقتصاد و تجارت فراهم است؛ اما باید قوانین تجاری دو کشور اصلاح و موانع برای صادرات کالای ایران به روسیه برطرف شود. اصلاح قوانین تجاری دو کشور به توسعه روابط اقتصادی و تجاری منجر می‌شود (Karami, 2009: 155).

۴. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر انرژی روسیه: دولت‌مردان روسیه تصمیم خود برای استفاده از انرژی به عنوان سلاح سیاسی را در سند راهبرد انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰ که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد علنی کردند. در این سند بر تثبیت انرژی به عنوان یک ابرقدرت و مبنایی برای توسعه اقتصادی و سازوکاری برای تنظیم سیاست داخلی و خارجی و نقش این کشور در بازار جهانی و تا حدود زیادی به نفوذ و ژئوپلیتیک آن در عرصه بین‌الملل تأکید شده است (Bailes, 2005: 32). استفاده سیاسی روسیه از گاز سبب شد تا اروپا به فکر تأمین گاز مورد نیاز خود از منابعی به غیر از روسیه باشد. به همین دلیل، از طرح ناباکو حمایت کرد که پنج شرکت غیردولتی برای انتقال گاز کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه ایجاد کرده بودند. ایران با اینکه دومین ذخایر گازی جهان را پس از روسیه دارد، به دلیل مخالفت آمریکا، نداشتن دانش فنی و قوانین مجلس نتوانست از این طرح استفاده کند (Karami, 2010: 155). بنابراین رهبران ایران و روسیه به خوبی می‌دانند با وجود زمینه‌های گوناگون برای همکاری دو کشور، در عرصه‌هایی چون انرژی و انتقال آن، به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز رقابت‌های جدی و انکارناپذیری را پیش رو دارند (Khajehpour, 2012: 17). با این حال در اسناد سیاست خارجی روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ توجه به جایگاه منطقه‌ای ایران، روندی متناسب با افزایش توجه روسیه به خاورمیانه را نشان داده است (Gonzales, 2013: 17).

۵. سیاست خارجی برآمده از ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر هیدروپلیتیک با تأکید بر رژیم حقوقی دریای خزر: مسئله کمبود آب و کاهش تدریجی آن، موجب شده است که آب نقش اساسی‌تری در شکل‌دهی به روابط سیاسی جوامع بشری ایفا کند و به‌عنوان یک موضوع ژئوپلیتیک بر روابط کشورها تأثیر بگذارد. به‌شکلی که هاگت در مدل خود شش مورد از دوازده موردی را که موجب تنش و بحران بین دو کشور می‌شود، مرتبط با موضوع‌های آبی دانسته است (Mokhtarihashi, 2008: 132). هیدروپلیتیک را مطالعه نقش آب در روابط و مناقشه‌های اجتماع‌های انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌دانند؛ اعم از آنکه در داخل کشورها یا میان آن‌ها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (Hafeznia, 2006: 76). دریاچه خزر، از نظر حقوقی جزو آب‌های کشورهای ساحلی است و مالکیت آن منحصر به همین کشورهاست. خزر، دریا محسوب نمی‌شود تا تابع مقررات حقوق دریایی و یا حقوق بین‌الملل دریاها قرار گیرد. پیمان دوستی ۱۹۲۱ و موافقت‌نامه بازرگانی و دریانوردی ۱۹۴۰ که

بین ایران و اتحاد شوروی امضا شد، رژیم حقوقی دریاچه خزر را شکل داده‌اند؛ ولی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، سه کشور نواستقلال هم‌جوار خزر، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، این پیمان‌ها را بی‌اعتبار دانستند و آن‌ها را به‌عنوان اسنادی که زمانشان گذشته، محسوب می‌کنند (Arshadi and Tayyebi, 2007: 134). مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار در تعیین روابط دو کشور ایران و روسیه است. از آنجا که مسئله خزر مسئله‌ای سرزمینی است، از نظر تأمین منافع ملی و افکار عمومی دو کشور، حساسیت خاصی دارد (Fallah, 2010: 131). در واقع، پس از تجزیه اتحاد شوروی به پانزده کشور و تبدیل دو کشور ساحلی به پنج کشور، ایران وارد مرحله‌ای از چالش‌های همه‌جانبه شد. ایران پیش از آن، تنها با روسیه همسایه بود، پس از آن با کشورهای روسیه، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان به‌عنوان کشورهای مستقل در مسائل بهره‌گیری از منابع گوناگون دریاچه خزر روبه‌رو شد (Koolae, 1997: 137). ایران در موضوع دریای خزر، از نخستین سال‌های فروپاشی اتحاد شوروی پیشنهاد ایجاد سازمان همکاری ساحلی دریای خزر را مطرح کرد. نخست، این طرح چندان مورد رضایت مسکو نبود؛ اما پس از طرح موضوع اکتشاف منابع انرژی در این دریاچه و هجوم شرکت‌های غربی از سال ۱۹۹۴ به بعد، مسکو از خود، دو واکنش موازی نشان داد: اول، تأکید بر قراردادهای ۱۹۱۲ و ۱۹۴۰ بین ایران و اتحاد شوروی که تضمین‌کننده حضور فیزیکی و بدون محدودیت شناورهای غیرنظامی و نظامی آن‌ها در این دریاچه بود؛ دوم، کوشش همراه با موفقیت برای حضور در شرکت‌ها و کنسرسیوم‌های بهره‌برداری از منافع دریای خزر (Karami, 2010: 146). همچنین روسیه هم‌سو با ایران با تأکید بر قراردادهای پیشین اعلام کردند که تا شکل‌گیری توافق جدید در میان کشورهای نواستقلال، رژیم حقوقی پیشین اعتبار قانونی دارد. با سیاست‌های جمهوری آذربایجان مخالفت ورزیدند که تلاش می‌کرد آمریکا را وارد بازی کند. و به‌صورت مستمر با این سیاست‌های غیردوستانه مخالفت کردند؛ اما در سال ۱۹۹۸ دولت روسیه با قزاقستان در مورد نحوه تقسیم حوضچه‌های دریاچه در مرز خود به توافق رسیدند (Koolae, 1997: 138). روسیه، ایران را در دریای خزر تنها گذاشت و با جمهوری آذربایجان نیز به توافق رسید. در هر حال، با این موضوع ایران تا حدودی زیادی از موضع روسیه در خزر پیروی کرده است؛ اما برای این کشور نتایج قابل قبولی به دست نداد. موضع ایران از ابتدا این بود که دریای خزر بر اساس عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد شوروی، مشترک و متعلق به هر دو کشور بوده و به استثنای ۱۰ مایل از ساحل دو کشور که منطبقاً استفاده انحصاری است، مرز آبی دو کشور تعیین نشده است. در نتیجه، ایران از ابتدا خزر را به‌عنوان یک کاندومینیوم نگاه کرده است. البته این بدین معنا نیست که ایران هیچ‌گونه تقسیم دریای خزر را نپذیرفته است؛ بلکه قائل است که در صورت تقسیم، سهم ایران نباید از ۲۰ درصد کمتر باشد. بنابر دیدگاه

ایران، هرگونه اقدام یک‌جانبه از سوی کشورهای ساحلی خزر در بستن قرارداد با دیگر کشورها و شرکت‌ها برای استفاده از منابع این دریا قبل از تعیین رژیم حقوقی جدید غیرقانونی است (Hajiyosofi, 2005: 128). بنابراین با توجه به اینکه تفاهمی همه‌جانبه و جامع میان کشورهای ساحلی خزر وجود ندارد، عامل ژئوپلیتیک، کارکرد منفی فعال دارد و عنصر تأثیرگذار تنش‌آفرین در روابط خارجی دو کشور است. هم‌پیوندی این عامل با دیگر عامل‌های ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید؛ در نتیجه این عامل‌ها سبب تغییر نگرش سیاست خارجی ایران به شرق بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ و ایجاد روابط ویژه بین ایران و روسیه شد.

نتیجه

سیاست خارجی ایران و روسیه، از تقابل کد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرپذیرفته و رفتارهای دو کشور را نسبت به همدیگر شکل داده است. ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست کشور است که تأثیر زیادی در رفتار نظام‌های سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان‌ها بنابر نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌کنند. ژنوم ژئوپلیتیک اگر بتواند بین منافع ملی یک کشور با برتری‌های جغرافیایی کشورهای دیگر، وابستگی ایجاد کند، این وابستگی متقابل، فلسفه تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم جهانی می‌شود. این شکل وابستگی به سیاست‌مداران فرصت می‌دهد که از موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین، حساسیت‌های راهبردی دریایی و خشکی و منابع کمیاب اقتصادی و انرژی و آبی بهره بگیرند تا به برتری‌خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت جامعه عمل ببوشانند. وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد شوروی، دو رویداد دگرگون‌کننده‌ای بودند که هم‌زمان تاریخ و ایدئولوژی و جنگ سرد را به چالش کشیدند و نشانه‌هایی از آغاز یک عصر تازه در تقابل/تعامل میان ایران و روسیه پدیدار شد. انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران را آرمان‌گرا ساخت و فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه را به آوردگاهی غیرایدئولوژیک، داخل کرد. اکنون کد/ژنوم‌های مبتنی بر پایه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواتمیک، هیدروپلیتیک و ژئواستراتژیک، سیاست خارجی دو کشور ایران و روسیه را بیش از پیش، به همدیگر وابسته ساخته است. ایران با وجود ماهیت سیاست خارجی مستقل خود، به دلیل تنوع مسائل و اختلاف‌های ماهوی با غرب و در رأس آن با آمریکا و در شرایط بحران‌های پیش‌بینی‌نشده در خاورمیانه، می‌کوشد تنها دوست خود در میان کشورهای قدرتمند جهان، یعنی روسیه را به رابطه سودمند دوجانبه بکشد. به دلیل‌های واقع‌گرایانه نیز رقابت ذاتی در روابط ایران و روسیه وجود دارد. با وجود برخی منافع موازی و متفاوت ایران و روسیه در روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، رابطه با روسیه از مهم‌ترین منابع سیاست

خارجی ایران در هر سه سطح است. هرچند به نظر نمی‌رسد به دلیل شرایط بسیار متحول و دخالت مؤلفه‌های بسیار گوناگون در سطح روابط منطقه‌ای و بین‌المللی امکان ترسیم راهبرد برای تحکیم همکاری‌ها وجود داشته باشد؛ اما در سطح دوجانبه، توافق ۲۰۱۶-۲۰۲۰ برای توسعه همکاری تجاری، اقتصادی، صنعتی، علمی و فنی میان ایران و روسیه را می‌توان راهبرد روابط تهران-مسکو دانست. همکاری کشورها همواره مبتنی بر اصل هزینه و فایده است و شراکتی مستحکم‌تر است که برای هر دو طرف فایده بیشتر و هزینه کمتر داشته باشد. روابط ایران و روسیه نیز از این قاعده مستثنا نیست. تهران می‌کوشد تا تمرکز بیشتری بر افزایش نقاط کانونی در روابط اقتصادی ایران و روسیه، با هدف ایجاد شبکه‌ای مستحکم ارتباطی در بلندمدت داشته باشد.

References

A) English

1. Bailes, A. J. K. (2005), "The European Security Strategy: an Evolutionary History", SIPRI, Policy Paper 10, Stockholm: Stockholm Peace Research Institute, Available at: <https://www.sipri.org/publications/2005/sipri-policy-papers/european-security-strategy-evolutionary-history>, (Accessed on: 2/1/2017).
2. Blagov, Sergei (2017), "Alliance with Syria Tightens Russia's Ties with Iran", **Asia Times**, Available at: <https://www.asiatimes.com/2017/03/article/alliance-syria-tightens-russias-ties-iran/>, (Accessed on: 16/3/2017).
3. Cohen, Ariel (2007), "Russia's New Middle Eastern Policy: Back to Bismark?", **Yerusalem Centre for Public Affairs**, Vol. 6, No. 25, Available at: <http://www.jcpa.org>, (Accessed on: 5/2/2017).
4. Crabb, Cecil V., Glenn J. Antizzo and Leila S. Saredidine (2000), **Congress and the Foreign Policy Process: Modes of Legislative Behavior**, Political Traditions in Foreign Policy Series, Publisher: Louisiana State Univ Pr.
5. Dugin, Aleksander (2003), "Avrasiyacı Çağrı ve Türkiyenin Yeri", Available at: http://f27.Parsimony.Net/forum_67363/messages/1527.htm, (Accessed on: 5/2/2017).
6. Gonzales, Francisco J. Ruiz (2013), "The Foreign Policy Concept of the Russian Federation: a Comparative Study", Available at: http://DIEEEM06_2013_Rusia_ConceptoPoliticaExterior_FRuizGlez_ENGLISH.pdf, (Accessed on: 12/2/2017).
7. Haines, John R. (2015), "Russia, Iran, and the (Increasingly) Lonely Superpower", **Foreign Policy Research Institute**, Mar. 17, Available at: <https://www.fpri.org/article/2015/03/russia-iran-and-the-increasingly-lonely-superpower/>, (Accessed on: 10/2/2017).
8. Handa, Shivani (2012), "Russia in the Middle East Exploring Russia's Regional Relationships and Influence", Available at: www.basicint.org/sites/default/files, (Accessed on: 11/2/2017).

9. Kasting, Nori and Brandon Fite (2012), "U.S. and Iranian Strategic Competition, the Impact of China and Russia", Available at: www.csis.org/analysis/us-and-iranian-strategic, (Accessed on: 17/2/2017).
10. Katz, Mark (2017), "Assessing the Putin-Rouhani Summit", Mar. 29, Available at: <https://lobelog.com/assessing-the-putin-rouhani>, (Accessed on: 13/2/2017).
11. Khajehpour, Bijan (2012), "The Role of Economic and Energy Relations with Turkey and Russia in Iran's National Strategy", Available at: https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files, (Accessed on: 26/1/2017).
12. Kozhanov, Nikolay (2012), "Russia's Relations with Iran Dialogue without Commitments", Available at: www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/Russian, (Accessed on: 24/1/2017).
13. Kozhanov, Nikolay (2015), "Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations", Available at: https://carnegeendowment.org/files/CP_Kozhanov_web_Eng.pdf, (Accessed on: 2/2/2017).
14. Olikier, Olga, Keith Crane, Lowell H. Schwartz and Yusupov Catherine (2009), **Russian Foreign Policy, Sources and Implications**, Santa Monica: Rand Corporation.
15. Parker, John W. (2016), "Russia, Iran: Strategic Partners or Competitors?", **Rice University's Baker Institute for Public Policy**, Available at: <https://www.bakerinstitute.org/files/10480/>, (Accessed on: 18/2/2017).

B) Persian

1. Adami, Ali (2010), **Look at East Strategy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Political Studies.
2. Ahmadipour, Zahra and Ehsan Lashkari Tafreshi (2010) (a), **Caspian Sea Geopolitics**, Tehran: Geographic Organization of the Armed Forces.
3. Ahmadipour, Zahra and Ehsan Lashkari Tafreshi (2010) (b), "Geopolitical Challenges of Iran for the Purge of Self-Interest in Khazar", **Central Eurasia Studies**, Vol. 3, No. 6, pp. 1-18.
4. Alizadeh, Omran and Mehrdad Bordbar-Tahergurabi (2007), "A Study of Russian Politics in the Persian Gulf (the Era of Cold War and Post Cold War)", **Report**, Vol. 17, No. 189, pp. 45-46.
5. Arshadi, Aliyar and Sobhan Tayyebi (2007), "Investigating the Legal Regime of the Kaspian Sea Lighthouse Legal Positions Coastal States", **Justice Law**, Nos. 6-7, pp. 134-153.
6. Eftekhari, Asghar (2003), "The New Regionalism and Security of the Islamic Republic of Iran", **Strategic Quarterly**, No. 27, pp. 279-290.
7. Fallah, Rahmatullah (2010), **Israeli Strategies in Central Asia with Emphasis on Central Asia and the Caucasus**, Tehran: Andishesazan-e Nour.

8. Ghalibaf, Mohammad Bagher and Seyyed Mosa Pourmousavi (2008), "Geopolitics of Foreign Policy", **Human Geographic Research**, No. 66, pp. 34-55.
9. Gholverdi, Isa (2010), "Borders, Damage and Practices", **Guidelines for Political, Defense and Security Policy Making**, Vol. 1, No. 2, pp. 22-26.
10. Hafeznia, Mohammad Reza (2006), **Geopolitical Principles and Practices**, Mashhad: Papeli.
11. Hajiyosofi, Amir Mohammad (2005), **Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in the Light of Regional Developments**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
12. Hashemi, Fatemeh and Nabiollah Rashno (2016), **Iran and Geoeconomic Developments: an Analysis of the International Interactions of the Islamic Republic of Iran in Geoeconomic Processes**, Tehran: Islamic Azad University, Tehran South Branch.
13. Hosseini, Ahmad (2016), "Strategic Cooperations between Iran and Russia: Requirements and Accessibility", Available at: www.irdiplomacy.ir, (Accessed on: 26/1/2017).
14. Karami, Jahanghir (2009), "The National Identity and Russian Policy in the Near Abroad", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 12, No. 44, pp. 62-35.
15. Karami, Jahanghir (2010), "Iran and Russia: Oriental Ally or Southern Threat?", **Foreign Relations**, Vol. 2, No. 3, pp. 199-171.
16. Kazempour Ardebili, Hossein (1995), "Roundtable on America's Strategies toward Iran", **Middle East Studies Quarterly**, Vol. 2, No. 20, pp. 299-327.
17. Khalili, Mohsen (2011), "The Concept of Territory in Constitution of the Islamic Republic of Iran: Geographic Border / Borderline Idea", **Strategy**, Vol. 20, No. 58, pp. 7-45.
18. Koolae, Elaheh (1997), **Politics and Government in the Russian Federation**, Tehran: The Ministry of Foreign Affairs.
19. Koolae, Elaheh and Afifeh Abedi (2017), "The Ups and Downs of Iran-Russia Relations 1990 – 2016", **Quarterly Journal of International Relations**, Vol. 10, No. 40, pp. 135-164.
20. Minaei, Mehdi (2002), **An Introduction to the Political Geography of Iran**, Tehran: Samt.
21. Mojtahedzadeh, Pirouz and Ahmad Rashidinezhad (2010), "Geopolitical Analysis of Russian Foreign Policy in Relation to Iran's Nuclear Program", **Geopolitics**, Vol. 7, No. 2, pp. 1-36.
22. Mokhtarihashi, Hossein (2008), "Study of the Hydropolytic Status of Iran", **Political Science and Law Research Center of Mazandaran University**, Vol. 3, No. 10, pp. 129-159.

38. Pour Ahmadi, Hossein (2003), "The United States and the Necessity of a Multilateralist Approach: Unwillingness or Balance", **Defense Strategy Quarterly**, Vol. 1, No. 1, pp. 36-76.
39. Safari, Mahdi (2005), **Structure and Political Evolution in the Russian Federation and Relations with the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
40. Sajjadpour, Kazem (1993), **Geopolitic and Iran's Foreign Policy: Continuity and Change**, Tehran: Islamic Azad University.
41. Taghavi Asl, Ata (2000), **New Iranian Geopolitics: from Kazakhstan to Georgia**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Center.

C) Turkish

42. İlhan, Suat (2002), "Avrasya Dosyası", **Jeopolitik Özel**, cilt. 8, sayı. 4, s. 318-322.

